

تجربه زنان از ازدواج دوباره: از «چالش» تا «امید»

محققان در پژوهشی جدید کوشیده‌اند تجربه زنان ایرانی را در مسیر ازدواج مجدد با نگاهی نزدیک به زندگی واقعی بررسی کنند و نشان دهند این تصمیم تا چه حد تحت تأثیر عوامل اجتماعی، خانوادگی و روانی قرار می‌گیرد.



محققان در پژوهشی جدید کوشیده‌اند تجربه زنان ایرانی را در مسیر ازدواج مجدد با نگاهی نزدیک به زندگی واقعی بررسی کنند و نشان دهند این تصمیم تا چه حد تحت تأثیر عوامل اجتماعی، خانوادگی، روانی، قلمرو، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی باشد. به گزارش ایسنا، در سال‌های اخیر ساختار خانواده در ایران دستخوش تغییرات سریع شده و همین روند نگاه نسل‌های مختلف را نسبت به ازدواج و طلاق متفاوت کرده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهند شمار طلاق در چند دهه گذشته افزایش چشمگیری داشته و تعداد زنان سرپرست خانوار نیز رو به رشد است. بسیاری از این زنان با وجود تمایل به شروع دوباره زندگی مشترک، با تردیدها و فشارهای اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. جامعه هنوز نگاه ثابتی به زن مطلقه ندارد و همین مسئله مسیر بازگشت به زندگی مشترک را برای آنان دشوار می‌کند. در کنار این موضوع، مشکلات اقتصادی، مسئولیت سرپرستی فرزندان و نگرانی از تنهایی و آسیب‌های روانی، اهمیت بررسی شرایط این گروه از زنان را بیشتر کرده است. ازدواج مجدد می‌تواند به آن‌ها کمک کند دوباره حمایت عاطفی و روانی پیدا کنند و کیفیت زندگی خود را بهبود دهند اما موانع زیادی راه را سد می‌کند. مسئله ازدواج مجدد تنها یک انتخاب شخصی نیست. پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهند که این تصمیم در بیشتر فرهنگ‌ها شبکه‌ای از روابط خانوادگی و اجتماعی را درگیر می‌کند. در برخی جوامع، ازدواج مجدد برای جلوگیری از برچسب‌های اجتماعی درباره زن یا مرد تنها ضروری شمرده می‌شود، اما در برخی دیگر، به ویژه برای زنان، با قضاوت‌های فرهنگی روبه‌روست. در ایران نیز شرایط مشابه است. زنان مطلقه معمولاً پس از جدایی با مشکلاتی مثل نگاه سنگین جامعه، کاهش حمایت‌های عاطفی، فشارهای اقتصادی و اضطراب درباره آینده روبه‌رو هستند. تحقیقات نشان داده ازدواج مجدد می‌تواند سطح امید به زندگی، سلامت روان و احساس امنیت اجتماعی را افزایش دهد. همین نیازها ضرورت پرداختن به تجربه زیسته زنان ازدواج مجدد کرده را برجسته می‌کند.

دهقان منشادی ماریه، استادیار گروه روانشناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، همراه با سه همکار خود، در همین راستا پژوهشی را درباره تجربه زنان دارای سابقه ازدواج مجدد انجام داده‌اند. در این مطالعه، محققان تلاش کرده‌اند عوامل مؤثر بر تصمیم این زنان و چالش‌هایی را که با آن روبه‌رو می‌شوند، از زبان خودشان بررسی کنند.

روش اجرای مطالعه به صورت آمیخته انجام شده و شامل دو بخش کیفی و کمی است. در بخش کیفی که بر تجربه زیسته زنان متمرکز بوده، محققان با زنان مطلقه یزدی که دست کم شش ماه از ازدواج مجددشان گذشته بود، مصاحبه نیمه ساختارمند انجام داده‌اند. این افراد به صورت هدفمند از مراکز مشاوره انتخاب شده بودند تا اطلاعات غنی و قابل اتکا ارائه دهند. پس از گفت و گو با ۱۵ نفر، متن مصاحبه‌ها بررسی شد تا الگوهای مشترک در تجربه این زنان شناسایی شود.

تحلیل داده‌ها نشان داد که تجربه ازدواج مجدد زنان بسیار پیچیده و چند لایه است. در این پژوهش ۲۳۲ مفهوم، ۳۰ کد اولیه، ۱۵ درون مایه اصلی و ۴۸ درون مایه فرعی استخراج شد. این مجموعه شامل موضوعاتی مثل مسائل فرزندان، رابطه با همسر سابق، شرایط خواستگاران، ترس از شکست دوباره، چالش‌های فرهنگی، نگاه کلیشه‌ای به زنان مطلقه و نیازهای روانی و عاطفی بود. محققان بر اساس این یافته‌ها، الگویی مشاوره‌ای تهیه کردند که در ۱۱ جلسه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای قابل اجراست و می‌تواند برای آماده‌سازی زوجین پیش از ازدواج مجدد استفاده شود.

نتایج این مطالعه که در «مجله علوم پزشکی رازی» وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران منتشر شده‌اند، نشان می‌دهند که کلیشه‌های اجتماعی درباره ازدواج زنان یا مجرد ماندن آن‌ها نقش پررنگی در محدود کردن تصمیم به ازدواج مجدد دارد. بسیاری از زنان می‌ترسند دوباره شکست بخورند یا با قضاوت جامعه روبه‌رو شوند. این فشارهای بیرونی با مسئولیت‌های خانوادگی و دغدغه‌های مالی ترکیب می‌شود و مسیر ازدواج مجدد را برای آنان سخت‌تر می‌کند.

بر این اساس، زنانی که از رابطه قبلی فرزند دارند، با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شوند. جامعه از آنان انتظار دارد وظیفه مادری را بر هر تصمیم دیگری مقدم بدانند. برخی از زنان نگران‌اند که ازدواج مجدد به عنوان بی‌توجهی به آینده فرزندانشان برداشت شود. همچنین مقایسه همسر اول و دوم و خاطرات زندگی قبلی، مانع دیگری است که روند پذیرش ازدواج مجدد را دشوار می‌کند.

محققان در انتها به محدودیت‌های این مطالعه نیز اشاره نموده و یادآوری کرده‌اند که به دلیل تمرکز بر یک گروه خاص و یک بافت فرهنگی مشخص، تعمیم نتایج به سایر مناطق نیازمند احتیاط است. با این حال هر یک از درون مایه‌های استخراج شده می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرار گیرد.